

بنام خدا

پس از ارائه پیش نویس طرح صیانت در مورخ ۲۶ تیرماه، جلسات و مذاکرات متعددی با کارشناسان فنی و حقوقی برگزار و شخصا به این نتیجه رسیدم طرح صیانت با شکل و شمایل فعلی اگر به تصویب برسد منجر به نابودی تعداد زیادی از کسب و کارهای خرد و کلان خواهد شد.

در طول مدت سپری شده متأسفانه برخی از نمایندگان مجلس نسبت به منتقدین مطالبی و بیان کردند که دور از شان نمایندگی مردم بوده است. کلید واژه تاکیدی شان عدم مطالعه پیش نویس توسط منتقدان بوده است.

به همین منظور ضمن تاکید بر مخالفت با کلیات طرح، با همکاری یک تیم حقوقی مسلط به قوانین فضای مجازی نسبت به مطالعه چند باره ماده به ماده طرح اقدام نمودیم که ماحصل آن در دو بخش پاسخ به شبهات موافقین طرح و ایرادات جزئی طرح نقدهای وارده به طرح در بیست و نه صفحه جهت مطالعه علاقمندان به پیوست منتشر می شود. این فایل در نوزدهم آبان ماه نیز در اختیار آقای تقی پور رئیس محترم کمیسیون ویژه طرح صیانت هم قرار گرفته است.

خاطر نشان می سازد نظرات فوق نظرات تخصصی بخشی از کارشناسان حقوقی می باشد و تلقی آن به عنوان نظر اکوسیستم کسب و کارهای آنلاین، صحیح نمی باشد.

رضا الفت نسب

۹ آذر ماه ۱۴۰۰

ایرادات کلی طرح «صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه‌ی کاربردی فضای مجازی»

پاسخ به شبهات موافقان طرح

مقدمه

با تصویب بررسی طرح «حمایت از حقوق کاربران و ارائه دهندگان خدمات پایه کاربردی» بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی در جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی، اعتراضات پیرامون آن بیش از پیش قوت گرفت. در این بین برخی از موافقان طرح استدلال‌هایی را در جهت اقناع افکار عموم ارائه نمودند؛ که متأسفانه بخش زیادی از آن‌ها بر پایه واقعیات موجود در طرح نبوده و مشخص نیست که این موضوع ناشی از عدم تسلط ایشان بر مفاد آن است یا اینطور گمان برده شده که دیگران تسلطی بر ضوابط موجود در طرح مزبور ندارند. بر همین اساس، در این گفتار بر آنیم تا به تبیین برخی از ایرادات اساسی و رد توجیهات ارائه شده از سوی موافقین بپردازیم. لذا از توضیح سایر ایرادات متعدد وارد بر طرح که خود داستان مثنوی هفتاد من است صرف نظر شده و به ارائه پاسخ در مقابل دفاعیات اظهار شده در خصوص طرح اکتفا می‌کنیم.

۱- بحث فیلترینگ ارائه دهندگان خدمات خارجی و کاهش پهنای باند

یکی از موضوعات اصلی که این روزها موافقان طرح دائما بر آن تکیه می‌کنند، مسئله‌ی عدم فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی محبوب و حمایت از کسب و کارهای کوچک فعال در آن است و منتقدین را به سیاه‌نمایی در این خصوص متهم می‌نمایند. اما واقعیت این مسئله چیست؟ به موجب ماده ۱۲ این طرح **تمامی ارائه دهندگان خدمات داخلی و خارجی** اثرگذار (که تمامی ارائه دهندگان خدمات پرکاربرد را در بر می‌گیرد) **ملزم به دریافت مجوز شده** و پلتفرم‌های خارجی می‌بایست به موجب تبصره ۱ همان ماده نماینده قانونی خود را معرفی نموده و به تعهدات موجود در مواد ۲۴ و ۲۵ و سایر تعهدات نامعلومی که در آینده کمیسیون موضوع این طرح مشخص خواهد کرد عمل نمایند. حال آیا این پلتفرم‌ها اقدام به پذیرش این الزامات می‌نمایند؟ به طور قطع خیر. در واقع این از آن سنگ‌های بزرگی است که بیش از هر چیزی نشانه‌ی نزدن بوده و نظر به تحریم‌های موجود، محدودیت‌های بسیار و تعهدات مبهم و بعضا غیرمنطقی مواد ۲۴ و ۲۵ و صلاحیت کمیسیون در گسترش این تعهدات و عدم وجود منفعتی که از قبل دریافت مجوز، عاید آن‌ها شود، به طور قطع اقدام به چنین کاری نخواهند کرد و با یک حساب سرانگشتی از درآمدهای هنگفت این شرکت‌ها و سهم ناچیز بازار ایران در آن و همچنین تحریم‌ها و موقعیت سیاسی بسیار ناپایدار ایران، به راحتی می‌توان فهمید که هزینه‌های این عمل بسیار بیشتر از فایده‌ی آن است. حال اگر اقدام به دریافت مجوز نمایند چه می‌شود؟ در این صورت اگر پلتفرم جایگزین داخلی وجود نداشته باشد تا زمان ارائه نمونه جایگزین داخلی یا دارای مجوز این پلتفرم‌ها فیلتر نخواهند شد اما کمیسیون این اختیار را دارد که **براساس ماده ۱۷ به اندازه‌ی نامحدود پهنای باند پلتفرم‌های خارجی را کاهش داده** و از این طریق سرعت دسترسی کاربران به آن را کند نماید. از طرف دیگر نیز وزارت ارتباطات به استناد تبصره ۲ ماده ۲۸ مکلف شده در صورت نبود جایگزین، ظرف ۸ ماه اقدام به تولید چنین پلتفرمی نماید و اگر اقدامی نکرد مرکز ملی بخشی از بودجه‌ی این وزارت خانه را گرفته و خود راسا وارد عمل می‌شود و در هر صورت پس از گذشت یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون **به موجب همین تبصره و بدون توجه به وجود یا عدم نمونه‌ی مشابه داخلی پلتفرم خارجی فاقد مجوز مسدود می‌گردد.** پس در نهایت این مسدودسازی انجام خواهد شد اما نه به سرعت. در عالم واقع نیز باید پذیرفت که حاکمیت امکان فیلتر تمامی این ارائه دهندگان خدمات خارجی به سرعت و ظرف چند ماه پس از تصویب این قانون را نداشته و به عبارتی روغن ریخته را نذر امامزاده کرده است. حال به چه علت اساسا به فیلترینگ و فرایندی که برای آن در این طرح پیش بینی شده است ایراد وارد است؟ **الف)** معیارهای این جایگزینی که دائما از آن در محافل مختلف صحبت می‌شود چیست؟ این ابهام راه را برای برخوردهای سلیقه‌ای و تحمیل پلتفرم‌های بی‌کیفیت بر کاربران باز گذاشته است. **ب)** آیا تجربه حضور دولت در سایر امور اقتصادی برایمان کافی نبوده است که بازهم می‌خواهیم همان **دور باطل اتلاف بیت المال و ارائه محصولات بی‌کیفیت و افزایش راه‌های فساد و رانت خواری** را که پیش از این نیز در حضور بخش‌های دولتی و حاکمیتی در ارائه برخی پیام رسان‌های اجتماعی یا صنایع خودروسازی و... به تفصیل تجربه کردیم را این بار با حضور وزارت ارتباطات و مرکز ملی تکرار نماییم؟ **ج)** در این بین **تکلیف حدود ۵ میلیون کسب و کارهای کوچکی** که با اتکا به همین پلتفرم‌ها توانسته‌اند به سختی و در شرایط موجود ادامه حیات بدهند چیست؟ و اگر نهادهای دولتی به توانمندیشان در ارائه‌ی

نمونه‌ی داخلی جایگزین و دارای کیفیت حداقل مشابه پلتفرم‌های خارجی اعتماد دارند پس چرا این حق انتخاب را برای کسب و کارها و مردم قائل نمی‌شوند که خودشان پلتفرم خود را انتخاب کنند؟ آیا این اجبارها گواهی بر پذیرش عدم اعتماد نهادهای دولتی به توان مقابله با نمونه‌های خارجی نیست؟ اگر خدمتی با کیفیت قابل قبول و هزینه مناسب تر در داخل ارائه شود به قطع خود کاربران به سمت آن گرایش پیدا خواهند کرد همانطور که در بسیاری از کشورها از جمله کره جنوبی همین اتفاق افتاده و با اتکا به کیفیت خدمتشان و نه مسدودسازی موفق شده‌اند توجه شهروندانشان را به نمونه‌های داخلی جلب نمایند. شاید بالاخره زمان آن رسیده که به آگاهی کاربران و شعور آنها اعتماد نموده و باز هم آنها را مجبور به کاهش حق انتخاب‌هایشان نکنیم و بیشتر بر توانمندسازی خود تاکید کرده تا بتوانیم با جلب اعتمادشان، توجه آنها را به سمت استفاده از نمونه‌های داخلی جلب نماییم. لازم است در پایان این بند به این نکته نیز اشاره کنیم که اگر قصدمان حمایت از کاربران است و اگر به واقع اعمال چنین محدودیت‌هایی مورد درخواست کاربران است پس چه نیاز به ساماندهی فیلتر شکن‌های موضوع **بند ۱۷ ماده ۴**، که خود نمونه‌ی کاملی از اعمال قواعد تبعیض آمیز، غیرمنطقی و غیرعملی می‌باشد؟ پر واضح است که اگر این اقدامات خواست کاربران بود، پس قطعاً آنها خود به سمت استفاده از فیلتر شکن‌ها نمی‌رفتند و احتیاجی به ساماندهی فیلتر شکن‌ها نیز نبود.

۲- بحث ادعای حمایت از ارائه دهندگان خدمات داخلی

برخی از موافقین طرح دلیل اعمال فیلترینگ و کاهش پهنای باند و ایجاد محدودیت در حق انتخاب کاربران را حمایت از ارائه دهندگان خدمات داخلی می‌دانند که این خود ادعای کاملاً بی‌اساسی است و بیانیه تعداد زیادی از این ارائه دهندگان خدمات گواهی بر تایید این موضوع است. آیا تمامی این ارائه دهندگان صلاح خود را نمی‌دانند و به اشتباه به مقابله با این طرح پرداخته‌اند؟ خیر آنها دلایل متعددی برای مخالفت دارند که مهمترین آنها موارد زیر است: **الف**) ارائه دهندگان خدمات پایه کاربردی داخلی این روزها مورد آماج فشارها و اعتراضاتی از سوی کاربران خود مبنی بر حمایت از این طرح و ایجاد مانع برای استفاده عموم از ارائه دهندگان خدمات خارجی قرار گرفته و **اعتماد کاربرانشان که سرمایه اصلی این اکوسیستم را تشکیل می‌دهد** و تلاش‌های زیادی را در جهت جلب آن برداشته بودند، از دست داده‌اند. همه‌ی این‌ها در حالی است که از ابتدای امر، ارائه دهندگان خدمات داخلی انتقادات متعددی بر طرح مزبور داشته و بارها بروز چنین عواقبی را پیش بینی کرده بودند. **ب**) از سوی دیگر به دنبال به جریان افتادن بررسی این طرح، ارائه دهندگان خدمات مربوطه با موجی از نارضایتی کارکنان خود رو به رو شده و بیش از پیش در **معرض خطر از دست دادن سرمایه‌های انسانیشان** قرار گرفته‌اند. حال آن که ارائه دهندگان خدمات پایه، همواره مجموعه‌ای از بهترین نخبگان کشور که اکثریت قریب به اتفاق آنها دانش آموختگان برترین دانشگاه‌ها در عالی‌ترین مدارج هستند را گرد هم آورده‌اند. جای بسی تاسف دارد که این روزها دغدغه این مجموعه‌های پویاستن کارکنانشان به رقیبان داخلی نیست؛ بلکه ناامیدی آنها از شرایط موجود و مهاجرتشان تبدیل به بزرگترین مشکل این قبیل مجموعه‌ها شده که با شروع بررسی طرح مربوطه در مجلس این موج با روند بسیار فزاینده‌ای بیش از پیش شدت گرفته است که به طور قطع مخالف با سیاست‌های کلی نظام و رهنمون‌های رهبری مبنی بر شکوفایی

تولید و پیشگیری از اعمال سیاست‌های غلط که نهایتاً موجب از دست دادن نخبگان این مرز بوم است، می‌باشد. (ج) یکی دیگر از مشکلات عمده ارائه دهندگان خدمات داخلی با این طرح تعهدات ریز و درشت مبهم و بعضاً غیرمنطقی است که ضمانت اجرا نیز برای آنها تعریف شده و نهایتاً نظر به توضیحی که در خصوص عدم اخذ مجوز از سوی رقیبان خارجی داده شد **نهایتاً این تنها نمونه‌های داخلی هستند که ملزم به اجرای تعهدات شده و نسبت به رقیبان خارجی فشار بیشتری را متحمل می‌شوند.** (د) دیگر دغدغه‌ی بسیار بزرگ پلتفرم‌ها نسبت به این طرح، مجوز ورود بخش دولتی و حاکمیتی به حوزه‌های مختلف ارائه خدمات است که نظر به ماده ۷ و تبصره ۲ ماده ۲۸ امری اجتناب ناپذیر خواهد بود و در این صورت پلتفرم‌های وابسته به نهادهای حاکمیتی و به عنوان مثال آنهایی که زیر نظر مرکز ملی تشکیل شده اند **دارای مزیت رقابتی نسبت به فعالان بخش خصوصی آن حوزه هستند** چرا که کمیسیون ذیل این طرح نیز در مرکز ملی تشکیل خواهد شد و بدین ترتیب در خصوص پلتفرم‌های وابسته در این جا واضح و مجری یکی شده و با توجه به اختیارات گسترده کمیسیون زمینه برخورد سلیقه‌ای آن را فراهم می‌کند. امری که این روزها نیز به قدر کافی دست به گریبان این کسب و کارهاست و نمونه‌ای از آن را در برخوردهای انحصار طلبانه صداوسیما می‌توانیم ببینیم. (ه) در پایان باید توجه داشت که هم‌اکنون **گردش آزاد اطلاعات و دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی متنوع، رکن اصلی پیشرفت در عرصه فناوری اطلاعات است** که بخش اعظم آن از طریق پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌های خارجی به ایرانیان منتقل شده و ایجاد سد ارتباطی از طریق مسدودسازی پیام‌رسان‌های خارجی شرایطی است که حتی تصور آن نیز برای فضای تجارت الکترونیک ایران نیز ناامید کننده و غیر قابل تصور است. در کنار آن نباید از یاد برد که بسیاری از کسب‌وکارهای ایرانی **بر بستر خدمات پایه کاربردی خارجی شکل گرفته و مسدودسازی آن‌ها به معنای نابودی آنها است.**

۳- بحث کمیسیون موضوع طرح و عدم ایجاد نهاد جدید موازی

یکی دیگر از دفاعیات طرفداران طرح حول محور کمیسیون مربوطه می‌چرخد و بر این تاکید می‌کنند که براساس این طرح **نهاد موازی جدیدی ایجاد نشده بلکه همان کمیسیون پیشین ذیل نظر مرکز ملی تغییراتی در آن اعمال شده.** حال آن که به این کمیسیون نیز اشکالات بسیار وارد است و لازم به توضیح نیست که به حدی ساختار و صلاحیت این کمیسیون دگرگون شده و شاخ و برگ پیدا کرده است که می‌توان گفت تنها وجه اشتراک آن با کمیسیون حال حاضر فعال در مرکز ملی تنها نام آن است. از مهم‌ترین ایرادات وارد بر این کمیسیون نیز می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره نمود: **(الف)** گفته می‌شود این کمیسیون یک نهاد تنظیم‌گر است حال باید پرسید چه توجیهی دارد که یک نهاد تنظیم‌گر دارای ۲۱ عضو عالی رتبه بوده و اصلاً چگونه از دل چنین کمیسיוنی با چنین ترکیبی، تنظیم‌گری‌های در خور اعتنا بیرون می‌آید؟ **چنین ترکیبی شایسته‌ی سیاست‌گذاری است که مشابه آن در شورای عالی فضای مجازی به منظور سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی پیش بینی شده است.** (ب) اختیارات این کمیسیون بسیار گسترده بوده و در مقام سیاست‌گذاری برآمده است به‌گونه‌ای در بسیاری از موارد به جای تنظیم‌گری،

سیاست‌های کلان فضای مجازی در آن تعیین و تصویب می‌شود که مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است. افزون بر آن به هیچ عنوان محدود به ارائه دهندگان خدمات پایه کاربردی نمی‌شود و صراحتاً در بندهایی مانند بند ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۲۰ و ۲۱ ماده ۴ این طرح که به اختیارات کمیسیون اشاره دارد دایره شمول اختیاراتش را نه ارائه دهندگان خدمات پایه کاربردی بلکه خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات در نظر گرفته که مفهومی بسیار گسترده تر از ارائه دهندگان خدمات پایه کاربردی داشته و هم بر امکان برخورد سلیقه ای کمیسیون دامن می‌زند و موجب ابهام بیش از پیش در خصوص دامنه ی شمول این طرح می‌شود و دقیقاً مشخص نیست این طرح و تنظیم‌گری‌هایی که از دل این کمیسیون در خواهد آمد نهایتاً تا کجا سرایت کرده و دامن کدام یک از فعالان بخش خصوصی حوزه فناوری اطلاعات را خواهد گرفت.

۴- بحث وجود قوانین سختگیرانه تر در سایر کشورها

آخرین حربه ای که معمولاً حامیان طرح به آن متوسل می‌شوند تجربه ی کشورهای دیگر در این خصوص است و به قوانین گسترده و جامع به عنوان مثال اتحادیه اروپا نظیر (G.D.P.R) اشاره کرده و می‌گویند در تمامی کشورها سخت گیری‌های خیلی بیشتر از این اعمال می‌شود اما این نکته در بیانات ایشان معمولاً مغفول می‌ماند این قوانین از جمله صیانت از داده‌های شخصی با جزئیات و ضوابط مشخص توسط مراجع عالی‌رتبه‌ی تقنینی به تصویب رسیده است و در هیچ موردی تعیین یا ضوابط به یک کمیسیون تنظیم‌گر محول نشده است. علاوه بر آن این قوانین (جدای از دقت و حساسیتی که در تدوین آن در بازه زمانی طولانی به خرج داده شده) زمانی مثلاً در اتحادیه اروپا اثر گذار است که کشور مربوطه در حوزه‌های دیگر همچون اقتصادی، سیاسی، روابط بین الملل، توانمندی فنی و... از بلوغ و قدرت چانه زنی بالایی برخوردار باشد.

در پایان می‌بایست بار دیگر یادآور شد که پیش برد این طرح و عدم توجه به نظرات گروه‌های متعدد من جمله کاربران، کسب و کارهای کوچک و ارائه دهندگان خدمات داخلی نهایتاً نتیجه‌ای جز تصویب یک قانون ناکارآمد و غیرقابل اجرا و افزایش نارضایتی عموم مردم نسبت به بی‌اعتنایی به خواست باطنی آن‌ها در پی نخواهد داشت و جای تاکید دارد که می‌بایست از هرگونه اقدام شتابزده و نسنجیده در خصوص این طرح خودداری کرده و پیش از هرگونه اقدامی، به دقت هزینه‌ها و فواید آن مورد بررسی قرار گیرد.

ایرادات جزئی طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» (ماده به ماده)

مقدمه

پیگیری‌های مجدانه‌ی برخی از گروه‌ها در جهت تصویب شتابزده طرح «حمایت از حقوق کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات کاربردی»، علی‌رغم حجم زیاد اعتراضات و انتقاداتی که نسبت به آن مطرح گردیده است، ما را بر آن داشت تا باری دیگر ایرادات مختلف وارد بر مواد نسخه اصلاحی را مورد بررسی قرار دهیم. هر چند بر همگان روشن است که ایراد اصلی و آنچه مورد اعتراض اشخاص و گروه‌های مختلف قرار گرفته تنها تعدادی از مواد این طرح نیست؛ بلکه چارچوب و شاکله‌ی اصلی آن است که همگان را نسبت به چشم انداز وضعیت حوزه فناوری اطلاعات در ایران بیمناک کرده است و بررسی کلی طرح نشان می‌دهد که اجرای آن نه تنها منجر به صیانت و حمایت از کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات بخش خصوصی داخلی نمی‌شود، بلکه اتفاقاً پیامد اصلی و ناگزیر آن تضعیف این افراد خواهد بود. در ادامه با بررسی چند ایراد کلی این مسئله را روشن تر و مستدل تر مورد بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن وارد بررسی ایرادات جزئی وارد بر مواد می‌شویم.

(۱) ابهامات و گشاده دستی‌های متعدد و خطر بر خوردهای سلیقه ای

مهم ترین خطر این طرح عدم تبیین چارچوب‌ها و سازوکارهای مشخص و ضابطه مند در آن است به طوریکه هر شخصی با هر متر، اندازه و دیدگاهی می‌تواند برداشت و تفسیر خود را از آن ارائه دهد و به هر حال با هر قصدی به طرح مزبور مراجعه کند دست خالی نمانده و می‌تواند با استفاده از بخشی یا موادی بالاخره حرف خود را به کرسی بنشاند.

از جمله ی این ابهامات که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین آن‌ها نیز هست بحث حوزه ی شمول آن است. ظاهراً ادعا می‌شود که این طرح مختص ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی است اما در جاهای متعدد آن به خدمات فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی اشاره کرده که هیچ تعریف مشخصی از آن در طرح موجود نیست و می‌تواند تمامی خدمات فناوری را در بر بگیرد. هرچند که اگر این ابهام نیز وجود نداشت خود لفظ ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی، تعریف ارائه شده از آن و مصادیقی که در سند شورای عالی از آن بر شمرده شده است به قدری ابهام برانگیز و پر اشکال است که خود به تنهایی می‌تواند رسالت ایجاد یک چارچوب و دایره شمول مبهم، آشفتگی و تفسیر پذیر را به نحوی شایسته به جا آورد.

این مسئله وقتی مهم تر می‌شود که آن را در کنار اختیارات بسیار گسترده، کلی و باز هم تفسیر پذیر کمیسیون قرار دهیم. آن هم کمیسیونی که فرا قوه ای بوده و به عبارتی هیچ تکلیفی به پاسخگویی در مقابل مجلس یا نهاد دیگر نداشته و به حدی وظایف متعدد و ریز و درشت در حوزه ی صلاحیت آن قرار گرفته که به نحوی می‌تواند شورای عالی را نیز به حاشیه براند. حال اگر ابهامات و تفسیر پذیری‌های متعدد طرح را در کنار اختیارات بسیار گسترده ی این کمیسیون و عدم تکلیف آن به پاسخگویی در مقابل یک نهاد ناظر قرار بدهیم خود متوجه وخامت اوضاع شده و بر این نکته پی می‌بریم که در واقع اعضای کمیسیون که اتفاقاً اکثر آن‌ها هیچگونه تخصص قابل به عرضی در بیشتر مسائل مطروحه ندارند، قادرند هر تصمیمی را اتخاذ کرده و در مقابل تصمیماتشان پاسخگو نیز نباشند.

(۲) خطر از بین رفتن رقابت سالم در محیط کسب و کارهای حوزه فناوری اطلاعات

متأسفانه در این طرح ساز و کار کاملاً مدونی برای ورود هر چه بیشتر بخش دولتی به حوزه ی کسب و کارهای فناوری اطلاعات چیده شده است و به واقع جای سوال دارد که چند دفعه می‌بایست از یک سوراخ گزیده شویم که بالاخره درس عبرتی برایمان شده و دور آن را خط کشیده و به سمتش نرویم؟ چند دفعه باید به سمت وارد کردن دولت و نهادهای وابسته به آن به عرصه‌های اقتصادی برویم و هربار نتیجه ای جز فساد، شکست اقتصادی، محصولات و خدمات بی کیفیت، اتلاف بیت المال و پایمال شدن حق ملت عایدمان نشود و باز هم مانند دانش آموزی نابلد و ناشی در هر بزنگاهی به همین سمت روانه شده و همان دور باطل را تکرار کنیم؟ اینقدر زهر ناکارآمدی این سازوکار را در حوزه‌های مختلف و در عمل چشیده ایم که دیگر برای رد حضور بخش دولتی در عرصه‌های اقتصادی نیازی به بررسی علمی و متون دانشگاهی نیست.

حال وقتی این ضوابط تبیین شده مبنی بر حضور بخش دولتی و نهادهای وابسته به آن را در کنار ابهام و تفسیر پذیر بودن قانون بگذاریم به واقع حمایت‌های اندک این قانون عمدتاً نصیب کدام ارائه‌دهندگان خدمات می‌شود؟ این یک اصل کاملاً منطقی و پذیرفته شده است که هر نهادی همواره به دنبال تحکیم و حمایت از خود و ساختارهای به وجود آمده وابسته به

خودش است لذا پر واضح است که هنگامی که واضح و مجری در یک بخش جمع می‌شوند، به طور قطع در ضوابط تبیین شده و نحوه ی اجرای آن می‌بایست تردید کرد. در این میان چه بر سر ارائه‌دهندگان خدمات بخش خصوصی که پیوستگی با بخش دولتی ندارند می‌آید و این کسب و کارها چگونه میتوانند در میان حریفان قدرتمند دولتی خود ادامه حیات بدهند و چه مجالی برای ورود بخش خصوصی به حوزه ای که پیش از آن دولت در آن ورود کرده وجود دارد؟ پاسخ تمامی این سوال‌ها نیز در برگ برگ تجربیات ما در خصوص حضور دولت در بخش‌های اقتصادی وجود دارد نظیر حضور صدا و سیما در حوزه صوت و تصویر فراگیر، ارائه ی پیام رسان‌ها و نرم افزارهای شکست خورده و ناموفق از سوی آن‌ها و یا حتی صنعت خودروسازی.

(۳) خطر تضعیف بیش از پیش ارائه‌دهندگان خدمات داخلی

علاوه بر مشکلاتی که در بند پیشین به آن‌ها اشاره شد، مشکلات بسیار جدی دیگری نیز با مطرح شدن طرح مزبور برای این کسب و کارها به وجود آمده و آن‌ها را در معرض خطر تضعیف بیش از پیش قرار داده است.

یکی از مهم ترین چالش‌هایی که در حال حاضر ارائه‌دهندگان خدمات داخلی با آن رو به رو هستند، مسئله ی مهاجرت کارکنان یا به عبارتی از دست دادن سرمایه‌های انسانی این کسب و کارها است. این مجموعه‌ها، همواره جمعی از بهترین نخبگان کشور که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها دانش آموختگان برترین دانشگاه‌ها در عالی ترین مدارج هستند را گرد هم آورده اند. جای بسی تاسف دارد که در شرایطی که برخی از کشورهای همسایه تمام سیاست‌ها و تمرکزشان را به جذب نخبگان کشورهای دیگر معطوف می‌کنند، ناامیدی نخبگان کشور از شرایط موجود و مهاجرتشان تبدیل به بزرگترین مشکل این قبیل مجموعه‌ها شده و با شروع بررسی طرح مربوطه در مجلس این موج با روند بسیار فزاینده ای بیش از پیش شدت گرفته است که به طور قطع مخالف با سیاست‌های کلی نظام و رهنمون‌های رهبری مبنی بر شکوفایی تولید و پیشگیری از اعمال سیاست‌های غلط که نهایتاً موجب از دست دادن نخبگان این مرز بوم است، می‌باشد.

همچنین این روزها ارائه‌دهندگان خدمات داخلی مورد آماج فشارها و اعتراضاتی از سوی کاربران خود مبنی بر حمایت از این طرح و ایجاد مانع برای استفاده عموم از ارائه‌دهندگان خدمات خارجی قرار گرفته و اعتماد کاربرانشان که سرمایه اصلی این اکوسیستم را تشکیل می‌دهد و تلاش‌ها و هزینه‌های زیادی را در جهت جلب آن برداشته بودند، از دست داده اند. همه ی این‌ها در حالی است که از ابتدای امر، ارائه‌دهندگان خدمات داخلی انتقادات متعددی بر طرح مزبور داشته و بارها مخالفت خود را با آن بیان کرده اند.

یکی دیگر از مشکلات عمده ارائه‌دهندگان خدمات داخلی با این طرح تعهدات ریز و درشت مبهم و بعضاً غیرمنطقی است که ضمانت اجرا نیز برای آنها تعریف شده و با توجه به عدم تخصص کمیسیون مربوطه در بسیاری از موضوعات می‌تواند نهایتاً منجر به اتخاذ تدابیر بسیار خطر آفرین برای این کسب و کارها بشود.

۴) خطر فیلترینگ گسترده و محدودیت کاربران در دسترسی به پلتفرم های خارجی

با توجه به تدابیر مشخص شده در ماده ۲۸ این طرح و تبصره های آن به هر حال با گذشت بازه زمانی یک ساله از زمان تصویب و ابلاغ طرح، پلتفرم های خارجی که اقدام به اخذ مجوز و پذیرش تعهدات مربوطه ننمایند فیلتر خواهند شد. انتقاد اصلی که به ضوابط تبیین شده در این خصوص وارد است کمال گرایی تدوین کنندگان طرح و عدم توجه آن ها به شرایط موجود می باشد. به بیان دیگر چندین مانع مهم و جدی در مورد کسب مجوز پلتفرم های خارجی وجود دارد که مهم ترین آن ها موارد زیر است: الف) تحریم ها و محدودیت های سیاسی ایران در عرصه ی ارتباطات بین الملل و عدم وجود ثبات در این خصوص موجب فرار سرمایه گذاران خارجی و همینطور همکاری کسب و کارهای خارجی برای مراجعه به ایران و اخذ مجوز از نهادهای مربوطه می شود.

ب) هنگامی کسب و کارهای فعال در این حوزه اقدام به اخذ مجوز و فعالیت در حدود قانونی یک کشور می نمایند که اساسا آن کشور مقررات مبین و مشخصی در آن خصوص داشته باشد و کسب و کار خارجی برایش روشن باشد که اساسا با چه تکالیف و تعهداتی رو به روست و چارچوب قوانین آن کشور در چه حدی است. حال آن که ما در زمینه ی فضای مجازی و مسائل مربوط به آن هیچگونه مقررات و قوانین مشخصی نداریم.

ج) طرح مربوطه که به موجب آن کسب و کارهای خارجی ملزم به اخذ مجوز شده اند نیز مجموعه ای از قوانین و تعهدات مبهم و بی پایه است و حتی هیچگونه ساختار نظام مند و قانونی درستی در آن به چشم نمی خورد و از ارائه دهنده ی خدمت می خواهد بیاید تعهد بدهد که تمامی ضوابطی را که کمیسیون موضوع طرح در آینده تصویب می کند رعایت خواهد نمود. (آن هم کمیسیونی با ساختار و حدود اختیاراتی که پیش از این از آن صحبت نمودیم.) و علاوه بر این هیچگونه امتیازی هم از قبل دریافت این مجوز نصیب کسب و کار خارجی نمی شود و همچنان با محدودیت های متعددی که در حال حاضر نیز با آن مواجه است پس از اخذ مجوز نیز مواجه خواهد بود و چه بسا این محدودیت ها بیشتر نیز می شود. حال با تمامی شرایط توضیح داده شده کدام کسب و کار خارجی حاضر به قرار گرفتن ذیل چنین قانونی می شود؟

د) یک پلتفرم خارجی زمانی حاضر به پذیرش تعهدات یک کشور و عمل کردن در حدود قانونی آن می شود که بداند آن کشور در مجامع بین المللی مربوطه حضور دارد و اگر پلتفرم احساس کرد که کشور مربوطه مجموعه ای از الزامات نادرست و ناروا را بر آن تحمیل می کند، امکان تظلم خواهی و شکایت در نزد مراجع بین المللی را داشته باشد که باز هم در خصوص ایران نظر به سیاست های مربوطه این چنین نیست.

حال با تمام احوالات گفته شده آیا باز هم منطقی به نظر می رسد که یک پلتفرم خارجی اقدام به اخذ مجوز نماید؟ برخی از موافقان طرح از تجربه ی مشابه کشورهای نظیر ترکیه، چین و روسیه صحبت می کنند و اینطور ادعا می نمایند که اگر آن ها موفق به اجبار پلتفرم های خارجی شده اند پس ما نیز می توانیم. در صورتی که شرایط این کشور ها در این خصوص به هیچ عنوان با ایران قابل مقایسه نیست و هر کدام از آن ها دارای ساختار قانونی مدون در خصوص فضای مجازی می باشند و به قوی پایه و اساس و مقدمات حضور کسب و کارهای خارجی را فراهم نموده اند و عملکرد و حضور آن ه در فضای بین

المللی نیز بسیار فعالانه تر می باشد. به عنوان مثال هم ترکیه و هم روسیه عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هستند و این کسب و کارها و خصوصا نمونه های بزرگ آن ها این امکان را دارند که در صورتی که الزامات نادرست و خارج از اصول حقوق بشری، که خود این شرکت ها معمولا برای خودشان تعریف می کنند، بر آن ها بار کنند به موجب این کنوانسیون از آن ها شکایت کنند همانطور که هر دوی این کشورها در این خصوص پرونده های متعددی نیز دارند.

در نهایت با همه ی این احوالات و عدم اخذ مجوز از سوی پلتفرم های خارجی چه کسی ضرر خواهد کرد؟ جز این است که باز هم کسب و کارهای کوچکی که با تلاش بسیار و با استفاده از این پلتفرم ها توانسته اند در این شرایط سخت اقتصادی به حیات خود ادامه دهند را با مشکل جدی مواجه می کنیم؟ جز این است که حق انتخاب کاربران خود را بیش از پیش محدود کرده و خشم آن ها را در این مورد افزایش می دهیم و سبب بی اعتمادی بیش از پیش آن ها نسبت به نمونه های داخلی می شویم؟

با تمام نکته های گفته شده در بندهای بالا و تاکید مجدد بر عدم امکان حل ایرادات اساسی موجود در این طرح با اصلاح تعداد محدودی از مواد آن وارد بررسی جزئی مواد می شویم:

۵) بررسی جزئی طرح

ماده ۱ الف:

نسخه اصلی طرح

ماده ۱.الف) خدمات پایه کاربردی: مطابق تعریف مصوب شورای عالی فضای مجازی (مصرح در بند ۴-۴ مصوبه جلسه ۳۵ شورای عالی فضای مجازی با نام سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات)، به خدماتی اطلاق می شود که به بخش غیرقابل اجتناب از فضای مجازی و شبکه ملی اطلاعات تبدیل شده و دارای جنبه راهبردی یا مخاطب داخلی بالایی هستند.

ماده پیشنهادی

ماده ۱.الف) خدمات پایه کاربردی در این قانون عبارتند از: «پیام رسان و شبکه اجتماعی»، «زیست بوم جویشرگر»، «مدیریت هویت معتبر»، «خدمات نام و نشان گذاری»، «خدمات پایه مکانی و نقشه»، «خدمات میزبانی داده».

توضیحات:

درست است که شورای عالی فضای مجازی در مصوبه نامبرده شده همین تعریف از خدمات پایه کاربردی را به کار برده است؛ اما نظر به این که تعریف ارائه شده هیچگونه معیار مشخص و دقیقی ارائه نمی دهد و هر سه قسمت این تعریف (بخش غیرقابل اجتناب از فضای مجازی، دارای جنبه راهبردی، مخاطب داخلی بالا) کاملا کیفی و سراسر ابهام هستند بهتر این بود

که به جای این تعریف، تمامی مصادیق مدنظر از این خدمات در همین جا نام برده می‌شود. به شکلی که امکان افزودن یا کم کردن یک خدمت به خدمات نامبرده شده وجود نداشت.

بخشی از مصادیقی که در اسناد مربوط به مصوبات جلسه ۳۵ و ۶۶ شورای عالی فضای مجازی نیز با عنوان خدمات پایه کاربردی نام برده شده اند، دارای ابهام هستند. از جمله آنها می‌توان به «خدمات ارتباطی» اشاره کرد. با توجه به این که در کنار «خدمات ارتباطی» از «پیام رسان و شبکه اجتماعی» نیز صحبت شده، دقیقاً مشخص نیست منظور از «خدمات ارتباطی» چیست و با بخشی از خدمات لایه کاربردی هم پوشانی پیدا می‌کند. نمونه‌ی دیگر آن «سکوی دیجیتال» است که در لایه خدمات «پایه کاربردی» آورده شده حال آن که بسیاری از خدمات لایه «کاربردی» در بستر «سکوی دیجیتال» ارائه می‌شوند و مشخص نیست وجه افتراق این‌ها از یکدیگر چه خواهد بود. لذا به صورت کلی دلیلی ندارد که اگر در سند مرجعی ابهامی وجود دارد، این ابهامات در اسناد بعدی ادامه پیدا کند و بهتر این است که به منظور جلوگیری از ابهامات و ارائه‌ی تفاسیر جانبدارانه، در این جا همان مصادیق نامبرده شده در تبصره ۱ ماده ۱ به صورت حصری به عنوان مصادیق خدمات «پایه کاربردی» در این طرح تبیین و برشمرده شوند.

ماده ۲ الف:

نسخه اصلی طرح

ماده ۲- کلیه موارد ذیل مشمول مفاد این قانون هستند:

الف- خدمات پایه کاربردی، خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات داخلی و خارجی ارائه‌شده بر شبکه ملی اطلاعات.

ماده پیشنهادی

ماده ۲- کلیه موارد ذیل مشمول مفاد این قانون هستند:

الف- خدمات پایه کاربردی داخلی و خارجی ارائه‌شده بر شبکه ملی اطلاعات.

توضیحات:

حذف لفظ «خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات»: واضح و مبرهن است که تعیین واضح و صریح دایره شمول قانون از ضروری‌ترین مسائل در هنگام تدوین آن است. حال آنکه در خصوص این طرح لفظ «ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی» خود به اندازه‌ی کافی ابهام داشته و نباید با افزودن لفظ «خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات» بر این ابهام افزود. خصوصاً که هیچگونه تعریف مشخصی از این لفظ ارائه نشده و می‌تواند جای تفسیر به رای و سواستفاده را در تسری طرح بر هرگونه فعالیتی در فضای مجازی باز بگذارد.

پیرو همین مسئله قطعاً می‌بایست لفظ «خدمات ارتباطاتی و فناوری اطلاعات» در بندهای ۸، ۷، ۵، ۳، ۱، ۱۴، ۱۰، ۲۰، ۱۵ و ۲۱ ماده ۴ نیز حذف شود.

ماده ۴: (انتقاد کلی)

هر چند که در ادامه به صورت خاص از برخی از بند های موجود در ماده ۴ انتقاد نمودیم؛ اما می‌بایست بر این نکته تاکید کرد که انتقادات وارد بر این ماده تنها به بندهای اشاره شده محدود نمی‌شود؛ بلکه انتقاد اصلی بر شیوه‌ی نگارش مبهم بندهای این ماده است که با دست و دلبازی از اعطای هر گونه صلاحیتی به صورت کاملاً موسع و تفسیر پذیر به این کمیسیون فروگذار نکرده. در حالی که در حقوق عمومی همواره اصل بر عدم صلاحیت مرجع مربوطه بوده و اعطای صلاحیت و تفویض اختیار به یک نهاد باید به صورت کاملاً مضیق و دقیق با چارچوب مشخص باشد. امری که متأسفانه در کل این طرح و به صورت خاص در این ماده هیچ دقتی به آن نشده و کمیسیون مربوطه را تبدیل به نهادی نموده که هرگونه عمل و تصمیمی در حیطه‌ی اختیاراتش قرار می‌گیرد و هولناک تر آن که چون این نهاد یک نهاد فراقوه‌ای تلقی می‌شود، در مقابل مجلس شورای اسلامی نیز پاسخگو نخواهد بود و همچنین گستره‌ی اختیاراتش از شورای عالی نیز جزئی تر و مطول تر است. پس به واقع این نهاد با این حجم از گستردگی اختیارات در مقابل چه نهادی می‌بایست پاسخگو باشد و قدرت آن چگونه تنظیم و کنترل می‌شود؟

ماده ۴ بند ۵:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۵) تهیه و تصویب ضوابط حاکم بر قیمت‌گذاری و تعرفه خدمات پایه کاربردی، خدمات ارتباطاتی و فناوری اطلاعات؛

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

در کنار این مسئله که امر قیمت‌گذاری و تعیین ضوابط برای آن در اکثر قریب به اتفاق موارد، امری غیر کارشناسی بوده و موجب از بین رفتن توازن اقتصادی می‌شود، باید گفت که در حال حاضر برخی از نهادهای دولتی عهده دار این مسئولیت بوده

و در صورتی که ضرورتی مبنی بر قیمت گذاری و یا تعیین ضابطه برای آن وجود داشته باشد به قطع آن ها اقدامات لازم را انجام خواهند داد و نیازی به موازی کاری در این امر نمی باشد. به خصوص این که هر یک از این نهادها در حدود صلاحیت خود برای قیمت گذاری در همان زمینه بسیار تخصصی تر از این کمیسیون می باشند و نظرات آن ها احتمالاً کارشناسی شده تر خواهد بود. از جمله سازمان های دارای صلاحیت در این خصوص می توان به سازمان حمایت از مصرف کنندگان، شورای عالی رقابت و سازمان تنظیم مقررات رادیویی اشاره نمود.

ماده ۴ بند ۸:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۸) تهیه و تصویب ضوابط صیانت از حریم غیر عمومی و اطلاعات خصوصی و شخصی بهره برداران خدمات پایه کاربردی، خدمات ارتباطاتی و فناوری اطلاعات؛

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

در حال حاضر لایحه ای با نام «صیانت و حفاظت از داده های شخصی» موجود است که ثمره ی چند سال کار کارشناسی بوده و پس از بررسی ها و اصلاحات زیاد هم اکنون به لایحه ای قابل دفاع و در خور اعتنا تبدیل شده. شایسته است به جای موازی کاری و اعطای صلاحیت به یک کمیسیون تازه تاسیس در این خصوص و الزام آن به تدوین دوباره قواعد این حوزه و صرف وقت و هزینه دوباره، روند بررسی و تصویب همان لایحه پیشین پیگیری شود. لازم به توضیح است که در کشورهای مختلف از جمله در حوزه اتحادیه اروپا قوانین خاص صیانت از اطلاعات خصوصی در قالب قوانین بالادستی تهیه و تصویب شده است.

ماده ۴ بند ۸:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۸) ۹- تهیه و تصویب ضوابط ناظر به حقوق کاربران، سواد کاربری، اطلاع‌رسانی، تبلیغات و حقوق مالکیت فکری در چارچوب قوانین کشور؛

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

همانطور که در مقدمه به آن اشاره شد استفاده از کلمات کلی و تفسیرپذیر در جای جای صلاحیت‌های این کمیسیون به چشم می‌خورد. استعمال لفظ «ضوابط ناظر بر حقوق کاربران» از جمله مسائلی است که باید حدود و ثغور آن و موضوع ورود کمیسیون به آن مشخص شود. استفاده از این الفاظ صلاحیت کمیسیون را به حدی بالا خواهد برد که قدرت تصمیم‌گیری در مورد هر مسئله‌ی فضای مجازی را پیدا خواهد کرد. این در حالی است که مطابق اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۸۵ تصمیم‌گیری در مورد موضوعاتی که شان قانون دارند بر عهده مجلس بوده و این نهاد قانون‌گذاری نمی‌تواند این اختیار را به دیگری واگذار کند.

ماده ۴ بند ۱۳:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۱۳) تهیه و تصویب ضوابط به کارگیری سامانه‌های نرم‌افزاری خارجی موردنیاز برای ایجاد و توسعه توانمندی خدمات پایه کاربردی داخلی؛

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

باید توجه داشت که ارائه‌دهندگان خدمات پایه و به طور کلی تمامی نرم‌افزارها برای ایجاد و توسعه‌ی خود به طور مکرر از نرم‌افزارها و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها داخلی نبوده و استفاده از آن‌ها نیز ضروری

می‌باشد و به منظور حفظ نرم افزار تولید شده در واقع چاره ای جز استفاده از سامانه‌های خارجی که مورد استفاده قرار می‌دهند وجود ندارد. حال کاملاً روشن است که یک کمیسیون با ترکیب موجود که هیچگونه سررشته ای در امور فنی نیز ندارد و مشاوران آن‌ها نیز در حوزه کسب و کار اینترنتی و ضروریات آن سررشته ای ندارد مجموعه ای قواعد را با دیدگاه‌های امنیتی به رشته تحریر در می‌آورند که اصلاً قابلیت اجرایی نداشته و ارائه‌دهندگان خدمات را با مشکلات متعدد مواجه می‌سازد. باید توجه داشت که خوئی ارائه‌دهندگان خدمات به واسطه ی اهمیتی که برای خدمت خود و حفظ کاربرانشان قائل هستند به اندازه کافی در انتخاب ابزارهای خود حساسیت به خرج می‌دهند و اگر هم دغدغه‌هایی نظیر حفظ داده‌های کاربران و ایرادات امنیتی وجود دارد می‌بایست با قانون گذاری در این زمینه مانند «لایحه صیانت از داده» تکالیفی را بر دوش ارائه دهنده خدمت قرار داد و ارائه دهنده ی خدمت خود برای رعایت تکالیف تعیینی و دوری از ضمانت اجراهای پیش بینی شده در خصوص آن وسواس‌های لازم را در خصوص سامانه‌های مورد استفاده اش به خرج خواهد داد و نیازی نیست در تمامی امور ارائه‌دهندگان خدمات تا به این حد دخالت شود.

ماده ۴ بند ۱۴:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۱۴) تهیه و تصویب ضوابط حمایت از خدمات فناوری اطلاعات و پایه کاربردی داخلی و بومی؛

ماده پیشنهادی

ماده ۴ بند ۱۴) تهیه و تصویب ضوابط حمایت از خدمات پایه کاربردی داخلی .

توضیحات:

علاوه بر حذف لفظ «خدمات فناوری اطلاعات» که علت آن در بالا توضیح داده شد، با توجه به این که ارائه‌دهندگان خدمات بومی از متن قانون حذف شده است در این جا نیز لفظ «بومی» باید حذف گردد تا مانع از تفسیر به رای افراد شود.

ماده ۴ بند ۱۷:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۱۷) تهیه و تصویب ضوابط عرضه و استفاده از ابزارهای دسترسی بدون پالایش (مانند فیلترشکن و VPN)؛

ماده پیشنهادی

ماده ۴ بند ۱۷) حذف

توضیحات

بر همگان آشکار است که مسدودسازی کامل و منع دسترسی همه مردم به سایتهای خارجی فیلتر شده ممکن نیست. چون اولاً نه میشود همه پورتهای VPN را بست و نه میتوان منکر نیاز ضروری برخی کاربران به سایتهای فیلتر شده شد. اما باید توجه داشت که راه حل ارائه فیلترشکن قانونی نیست و ایرادات زیادی به آن وارد است. مهم ترین سوال و ابهام در مورد دایره ی اشخاصی است که می توانند به این فیلتر شکن های قانونی دسترسی داشته باشند. به عبارتی مصادیق افرادی که بناست فیلترشکن قانونی بگیرند چیست و حدوداً چند نفرند؟ مثلاً یک میلیون یا ده میلیون یا پنجاه میلیون؟ اگر طیف زیادی از کاربران را شامل میشود که به نوعی نقض غرض صورت می گیرد و مطمئناً راه برای اتصال بقیه هم باز میشود و فیلترینگ هیچ بازدارندگی نخواهد داشت. اما اگر مصادیق استفاده از VPN قانونی محدود و افراد مجاز، تعداد اندکی باشند که باز هم مشکل برجاست و شما نمی توانید فشار تقاضای چند ده میلیونی بقیه را نادیده بگیرید و به این ترتیب انبوهی از دانشجویان، افراد حرفه ای، افراد خوره فناوری، خوره سرگرمی و.. معطل مجوز نمی مانند و راه خود را پیدا خواهند کرد. اگر هم به فرض محال بتوانید پورتهای VPN ها را مطلقاً ببندید نارضایتی عظیم و انگیزه زیاد برای قانون شکنی، رفتن به سمت راه های غیرقانونی (چه بسا درصدی به سمت اینترنت ماهواره ای و..) باز می شود که در یک نظام حکمرانی سالم عاقلانه نیست. در واقع سیاست ساماندهی فیلترشکن قانونی شاید در ظاهر منطقی به نظر برسد اما در عمل جدای از آنکه اینترنت را طبقاتی و تبعیض آمیز میکند و نارضایتی قطعی اجتماعی خواهد داشت، چالشهای اجرایی جدی دارد و نهایتاً می شود از آن قانون هایی که آمده اند تا نقض شده و زیر پا گذاشته شوند و قبح قانون شکنی را بیش از پیش در جامعه از بین ببرند.

ماده ۴ بند ۲۱:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۲۱) تهیه و تصویب ضوابط همکاری‌های بین‌المللی دو یا چندجانبه در حوزه فضای مجازی؛

ماده پیشنهادی

ماده ۴ بند ۲۱) حذف

توضیحات:

به موجب اصل ۱۲۵ قانون اساسی همکاری‌های بین‌المللی در حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌باشد و نهاد دیگری حق مداخله در آن را ندارد. اگر منظور در این جا بحث سیاست‌گذاری فراقوه‌ای به منظور جهت‌بخشی به نحوه همکاری‌ها می‌باشد، در این صورت شورای عالی فضای مجازی مسئولیت سیاست‌گذاری در این حوزه را برعهده دارد و کمیسیون موضوع طرح حق مداخله در این خصوص را نخواهد داشت. چرا که این کمیسیون یک نهاد رگولاتور بوده که خود می‌بایست در چارچوب سیاست‌های شورای عالی تنظیم‌گری‌هایی را انجام دهد و نمی‌تواند در اموری که راسا در حدود صلاحیت مجلس می‌باشد مداخله کرده و برای مجلس شورای اسلامی ضابطه و حدود و ثغوری مشخص نماید.

ماده ۴ بند ۲۲:

نسخه اصلی طرح

ماده ۴ بند ۲۲) تهیه و تصویب ضوابط فعالیت مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و هم‌ترازهای آنها، در خدمات پایه کاربردی خارجی فاقد مجوز؛

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

نکته جالب در این طرح آن است که مقامات عالی کشور از جمله نمایندگان مجلس! می‌توانند از طریق ظرفیت این بند از پیام‌رسان‌های خارجی که فیلتر شده‌اند استفاده کنند. معلوم نیست با چه فلسفه‌ای تدوین‌کنندگان این طرح از جمله نمایندگان مجلس این تبعیض حقوق را میان افراد عادی و مقامات بلندپایه روا داشته‌اند. هر چند تبعیض در حقوق اساسی افراد در هر

سطحی نارواست اما تدوین کنندگان به این نکته توجه نداشته اند که دسترسی به اینترنت برای بسیاری از افراد دیگر در رسته‌های مختلف علمی، تجاری و فرهنگی دارای ضرورت بیشتری نسبت به مقامات سیاسی است.

ماده ۷:

نسخه اصلی طرح

ماده ۷) وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است در صورت عدم اقدام بخش خصوصی و غیر دولتی نسبت به ایجاد خدمات پایه کاربردی مورد نیاز کشور، خود راسا نسبت به ایجاد آنها از طریق منابع صندوق حمایت از خدمات پایه کاربردی اقدام کند. تعیین مصادیق خدمات کاربردی مذکور و راهبری لازم در ایجاد آن توسط مرکز ملی فضای مجازی انجام می‌شود.

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

در خصوص برخی کالاهای عمومی که اساسا سودآور نبوده اما نیاز عموم جامعه هستند این بحث مطرح می‌شود که دولت‌ها به صورت محدود وارد آن حوزه شده و اقدام به ارائه ی آن خدمت یا کالا نمایند؛ اما در مورد حوزه ی فناوری اطلاعات و خدمات ارائه شده بر پایه ی آن این مسئله صدق نمی کند و این قبیل فعالیت‌ها اساسا سودآور بوده و بخش خصوصی نسبت به حضور در آن رغبت نشان می‌دهد. لذا در صورتی که بخش خصوصی اقدامی در یک حوزه خاص نکرده و وارد آن نمی شود پس به طور قطع دلایل مشخصی مانند محدودیت امکانات و توانمندی‌های فنی یا وجود سیاست‌ها و قوانین مبهم در دسرساز مانع آن‌ها شده. با توجه به این که علاوه بر تحقیقات علمی تجربه ی چندین و چند ساله ی ما در خصوص ورود دولت به عرصه‌های اقتصادی همیشه ناموفق و شکست خورده بوده و نهایتا تنها موجب اتلاف هزینه و ایجاد فساد و ارائه خدمات بسیار بی کیفیت و شکست خورده شده است، پس باید پذیرفت که در این حوزه نیز وقتی بخش خصوصی نتوانسته در حوزه ای ورود کرده و موفق عمل بکند پس به طریق اولی دولت و وابستگان آن نیز نمی توانند در آن زمینه اقدام قابل به عرضی انجام دهند. لذا به جاست که از تجربیات گذشته درس گرفته و دوباره همان مسیر نادرست را در پیش نگیریم بلکه با فراهم کردن ثبات اقتصادی و سیاسی و از بین بردن برخوردهای سلیقه ای، شرایط را برای حضور فعالین خصوصی مساعد نماییم و اطمینان داشته باشیم که اگر در این زمینه افرادی بتوانند اقدام موفقیت آمیزی انجام دهند به طور قطع آن بخش

خصوصی خواهد بود پس اجازه بدهیم که در زمان خود این اتفاق بیفتد. چرا که قطعا با فشارهای زیاد و ایجاد محدودیت‌های زمانی و حضور بخش دولتی موفق به چنین کاری نخواهیم شد.

ماده ۹:

نسخه اصلی طرح

ماده ۹) کارگروه مدیریت گذرگاه ایمن مرزی متشکل از رئیس مرکز ملی فضای مجازی (ریاست کارگروه) و نمایندگان ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان پدافند غیر عامل و قوه قضائیه ایجاد می‌شود تا نسبت به امنیت ارتباطات و اطلاعات و مدیریت ترافیک ورودی و خروجی کشور در گذرگاه‌های ایمن مرزی تصمیمات لازم را اتخاذ نماید.

ماده پیشنهادی

ماده ۹) حذف

توضیحات:

۱- نکته اول اینکه ضابطه‌ی تعیین شده در این ماده هیچ ارتباطی به خدمات پایه کاربردی که موضوع تدوین طرح است، ندارد. به عبارتی در این جا و در قالب تنها یک ماده مبهم برای امری تعیین تکلیف شده که به طور کلی نیازمند تدوین یک قانون جامع جدا می‌باشد.

۲- ایراد بسیار جدی دیگری که به این ماده وارد است بحث ارتباط کارگروه تعیین شده با شورای عالی فضای مجازی و کمیسیون ذیل همین قانون است. در واقع مسئله بدین مهمی (آیین نامه نظام دسترسی و صلاحیت دستگاه‌های حاکمیتی) باید در شورای عالی فضای مجازی که سیاست گذار حوزه فضای مجازی بوده و یک نهاد صرفا امنیتی نیست به تصویب برسد نه آنکه در قالب یک آیین نامه خود نیروهای مسلح برای خودش مسئولیت تدوین کند و کارگروه ذیل مرکز ملی فضای مجازی آن را تصویب کند.

۳- ایراد بسیار مهم دیگر وارد بر این ماده وحدت تدوین کننده، اجرا کننده و نظارت کننده در آن است. یعنی با یک ماده قانونی بسیار کلی و مبهم به صرف آنکه بناست به تصویب مجلس برسد و «قانون» بشود، بدون ذکر اصول و جزئیات کلیدی، گیت‌وی، که جزء کلیدی از شبکه مادر مخابراتی کشور است به یک کارگروه و ستاد کل نیروهای مسلح که تجربه تخصصی و فنی مرتبط ندارد سپرده و خود نیز قرار است الزامات تدوین شده را اجرا و بر روند آن نظارت نماید. جای سوال اساسی دارد

که آیا چنین ساز و کاری کارآمد است؟ و اصلا نقش شورای عالی فضای مجازی در مورد چنین مسئله‌ی حساس و کلیدی چیست و چگونه این شورا هیچ حقی در این خصوص ندارد؟

ماده ۱۱:

نسخه اصلی طرح

ماده ۱۱) کمیته‌ای با مسئولیت قوه قضائیه زیر نظر دادستان کل کشور، برای اجرای اصل (۲۵) قانون اساسی در فضای مجازی و گذرگاه مرزی ایجاد می‌شود.

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

اصل ۲۵ قانون اساسی تکلیف می‌کند که «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.» در این خصوص مفصلا قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۰۴، قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۲۸ و قانون جرایم رایانه‌ای در مواد ۱، ۲ و ۳ تعیین تکلیف کرده و چه نیازی به ایجاد یک کمیته‌ی جدا با صرف هزینه و نیروی کار بیشتر و آن هم با چنین ساز و کار مبهمی می‌باشد؟

ماده ۱۲:

نسخه اصلی طرح

ماده ۱۲) عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی در فضای مجازی منوط به رعایت قوانین کشور و شرایط ذیل است:
۱. ثبت در درگاه خدمات پایه کاربردی.

۲. اخذ مجوز فعالیت خدمات اثرگذار پایه کاربردی داخلی و خارجی.

تبصره ۱- عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی خارجی اثرگذار مستلزم معرفی نماینده قانونی و پذیرش تعهدات ابلاغی کمیسیون می‌باشد.

تبصره ۲- مسئولیت راه‌اندازی، مدیریت و به‌روزرسانی درگاه خدمات پایه کاربردی موضوع این ماده و اعطاء، تمدید، تعلیق یا لغو مجوز به خدمات پایه کاربردی اثرگذار از طریق آن، در چارچوب مصوبات کمیسیون به عهده سازمان فناوری اطلاعات است. سازمان مذکور موظف است به صورت فصلی گزارش عملکرد درگاه موضوع این ماده را به کمیسیون ارائه دهد.

تبصره ۳- شرایط بهره‌برداری دستگاه‌های اجرایی از خدمات پایه کاربردی داخلی اختصاصی حداکثر ظرف مدت ۶ ماه توسط کمیسیون تصویب می‌شود. دستگاه‌های اجرایی به‌جز نهادهای دفاعی، امنیتی و نظامی صرفاً با مجوز کمیسیون مجاز به راه‌اندازی و بهره‌برداری از خدمات پایه کاربردی اختصاصی می‌باشند.

تبصره ۴- مرکز ملی فضای مجازی به صورت ماهانه خدمات پایه کاربردی اثرگذار را شناسایی و به کمیسیون و سازمان فناوری اطلاعات اعلام می‌نماید. سازمان فناوری اطلاعات موظف است از طریق درگاه، اطلاع‌رسانی لازم را انجام دهد و نسبت به اعطای مجوزها، به درخواست خدمات پایه کاربردی و بر اساس ضوابط تعیین شده از سوی کمیسیون اقدام کند.

ماده پیشنهادی

ماده ۱۲) عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی در فضای مجازی منوط به رعایت قوانین کشور و شرایط ذیل است:

۱. ثبت در درگاه خدمات پایه کاربردی.

۲. اخذ مجوز فعالیت خدمات اثرگذار پایه کاربردی داخلی و خارجی.

تبصره ۱- عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی خارجی اثرگذار مستلزم معرفی نماینده قانونی و پذیرش تعهدات ابلاغی کمیسیون می‌باشد.

تبصره ۲- مسئولیت راه‌اندازی، مدیریت و به‌روزرسانی درگاه خدمات پایه کاربردی موضوع این ماده و اعطاء، تمدید، تعلیق یا لغو مجوز به خدمات پایه کاربردی اثرگذار از طریق آن، در چارچوب مصوبات کمیسیون به عهده سازمان فناوری اطلاعات است. سازمان مذکور موظف است به صورت فصلی گزارش عملکرد درگاه موضوع این ماده را به کمیسیون ارائه دهد.

تبصره ۳- سازمان فناوری اطلاعات موظف است در صورت خودداری از صدور مجوز موضوع بند ۲ این ماده، دلایل عدم صدور مجوز را به صورت کتبی به متقاضی ارائه نماید. شخص متقاضی می‌تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ نظر سازمان فناوری اطلاعات، نسبت به آن نزد هیئت رسیدگی موضوع ماده ۲۷ درخواست تجدیدنظر نماید.

تبصره ۴- شرایط بهره‌برداری دستگاه‌های اجرایی از خدمات پایه کاربردی داخلی اختصاصی حداکثر ظرف مدت ۶ ماه توسط کمیسیون تصویب می‌شود. دستگاه‌های اجرایی به‌جز نهادهای دفاعی، امنیتی و نظامی صرفاً با مجوز کمیسیون مجاز به راه‌اندازی و بهره‌برداری از خدمات پایه کاربردی اختصاصی می‌باشند.

تبصره ۵- مرکز ملی فضای مجازی به صورت ماهانه خدمات پایه کاربردی اثرگذار را شناسایی و به کمیسیون و سازمان فناوری اطلاعات اعلام می‌نماید. سازمان فناوری اطلاعات موظف است از طریق درگاه، اطلاع رسانی لازم را انجام دهد و نسبت به اعطای مجوزها، به درخواست خدمات پایه کاربردی و بر اساس ضوابط تعیین شده از سوی کمیسیون اقدام کند.

توضیحات:

درست است که شرایط اخذ مجوز برای ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی اثر گذار توسط کمیسیون ذیل این قانون تبیین خواهد شد. اما این اندازه از اختیار گسترده ی کمیسیون می‌تواند در مواردی مفسده انگیز باشد. خصوصاً که وزارت ارتباطات و یا مرکز ملی نیز به عنوان یکی از فعالان این عرصه به موجب این طرح می‌توانند اقدام به فعالیت در این زمینه نمایند و لذا کمیسیون می‌تواند با وضع مقررات تفسیر پذیر در این خصوص زمینه را برای برخوردهای سلیقه ای فراهم نماید و سازمان فناوری اطلاعات که مرجع صدور مجوز است نیز ضوابط تبیین شده از سوی کمیسیون را تفسیر به رای نماید که این امر به طور قطع برای کسب و کارهای خصوصی که با سعی و تلاش بسیار خود را به مرحله ی اثر گذار بودن رسانده اند ایجاد مشکل خواهد کرد. لذا می‌بایست در صورت عدم صدور مجوز، نهادی برای اعتراض از این نظر وجود داشته باشد تا تصمیم اتخاذ شده را بار دیگر مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد، در این جا بهترین نهاد می‌تواند همان هیئت موضوع ماده ۲۷ باشد که صلاحیت رسیدگی به مواردی که ارائه دهنده خدمت اقدام به درخواست صدور مجوز نکرده است را نیز دارا می‌باشد.

ماده ۱۷:

نسخه اصلی طرح

ماده ۱۷) سهم ترافیک هریک از خدمات پایه کاربردی داخلی در شبکه ملی اطلاعات باید از حداقل مصوب کمیسیون نسبت به ترافیک کل خدمات پایه کاربردی متناظر در کشور بیشتر باشد.

تبصره ۱- تنظیم میزان ترافیک هر یک از خدمات پایه کاربردی خارجی صرفاً توسط کمیسیون تعیین می‌شود.

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

تنظیم ترافیک داده‌های ارائه‌دهندگان خدمات خارجی چیزی جز کاهش ترافیک داده‌های آن‌ها و در نتیجه از دسترس خارج شدن آن‌ها در هر اوضاع و احوالی نیست؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از آن به عنوان «مسدودسازی نوین» یاد کرد. تفویض چنین اختیاری به کمیسیون بدون وجود هیچ‌گونه شرایط و ضوابطی به معنای اعطای صلاحیت بی‌قید و بند فیلترینگ به کمیسیون است. بنابراین با وجود این ماده هیچ نیازی به اعمال فیلترینگ نسبت به ارائه‌دهندگان خدمات خارجی نخواهد بود و کمیسیون این اختیار را دارد که با کاهش میزان ترافیک هر یک از خدمات خارجی به طور کلی آن را از دسترس خارج نماید. خصوصاً که هیچ حد و مرزی نیز برای آن مشخص نشده. حال با وجود چنین ماده‌ای و نظر به سایر ضوابط مبهم بار شده بر دوش ارائه‌دهندگان خدمات، مشخص نیست که این نمونه‌های خارجی به چه علت و با چه انگیزه‌ای می‌خواهند اقدام به دریافت مجوز فعالیت نمایند؟ در شرایطی که حتی اگر مجوز مربوطه را دریافت نمایند باز هم کمیسیون این اختیار را دارد که تا حد قابل توجهی میزان ترافیک آن‌ها را کاهش دهد.

علاوه بر این درست است که در سند «طرح کلان معماری شبکه ملی اطلاعات» نیز از سهم هفتاد به سی ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی داخلی در مقابل خارجی صحبت می‌کند، اما حداقل یک کف سی درصدی را برای ارائه‌دهندگان خارجی در نظر گرفته که در ماده‌ی موجود در این طرح چنین چیزی وجود ندارد و علاوه بر آن در بند ۲-۲-۳-۴-۳ همین سند از تحقق سهم هفتاد درصدی خدمات محتوایی داخلی از طریق قوت بخشیدن به بخش محتوا با استفاده از تنظیم مقررات تولید محتوا و اقداماتی نظیر این صحبت می‌کند که خود می‌تواند حاکی از این نکته باشد که افزایش سهم ترافیک داخلی مصرفی از سوی کاربران نباید به صورت قهری بوده باشد بلکه با افزایش کیفیت خدمات و محتوای ارائه شده از سوی پلتفرم‌های داخلی به صورت ناخودآگاه کاربران خود به سمت استفاده از این محتوا سوق پیدا کرده و حجم ترافیک مصرفی داخلی افزایش پیدا خواهد کرد. نه این که به صورت قهری و اجباری حق انتخاب کاربران را محدود تر از پیش کرده و آن‌ها را وادار به استفاده از خدمات بی کیفیت نماییم و در نتیجه اعتماد کاربران نسبت به نمونه‌های داخلی را بیش از پیش خدشه دار کنیم.

ماده ۲۵ بند ۲:

ماده اصلی

ماده ۲۵ بند ۲) احراز هویت معتبر کاربران و حفظ اطلاعات کاربران مطابق تعهدات و قوانین موضوعه.

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

یکی از حقوق اساسی و پایه ای کاربران در فضای مجازی که در سراسر دنیا مورد پذیرش و تاکید واقع شده است «حق بر بی نامی و رمزگذاری» می باشد. که به معنای حق بر بی نامی کاربر در جریان فضای مجازی و حق بر رمز گذاری محتوای منتشره از سوی او است. حال جای تعجب دارد در طرحی که داعیه ی حمایت از کاربران را دارد چنین حق اساسی زیر پا گذاشته شود. چه دلیلی دارد که کاربران برای کوچک ترین حضورشان در فضای مجازی از جمله خرید های کوچک، انتشار محتوا، استفاده از بازی های مختلف و ... احراز هویت شوند؟ مگر در فضای حقیقی تمامی افرادی که در حال فعالیت، رفت و آمد و مکالمه با یکدیگر در فضای عمومی و خصوصی هستند احراز هویت می شوند و ما میدانیم که آن ها چه کسانی هستند؟ مگر هنگام مراجعه به یک فروشگاه حقیقی و خرید از آن جا ما با هویت خریدار کاری داریم که حال در فضای مجازی به دنبال احراز هویت این اشخاص هستیم؟ احراز هویت می بایست بسیار محدود و مضیق به موارد خاص نظیر برخی ثبت های معاملاتی خاص و با معیار های مشخص باشد نه این که بدون هیچ حد و مرزی به دنبال احراز هویت تمامی اشخاص باشیم.

ماده ۲۵ بند ۳ تبصره ۲:

نسخه اصلی طرح

ماده ۲۵ بند ۳ تبصره ۲) خدمات پایه کاربردی مالک داده های کاربران ایرانی نیستند.

ماده پیشنهادی

ماده ۲۵ بند ۳ تبصره ۲) کاربران خود مالک داده های شخصیشان هستند.

توضیحات:

۱- داده ها انواع و دسته بندی های مختلف دارند که در این ماده به آن هیچ توجهی نشده و از لفظ «داده های کاربران» بهره جسته است؛ در حالیکه این لفظ هیچ معنای دقیقی نداشته و مشخص نیست دقیقا منظور کدام یک از داده ها می تواند باشد. به هر حال نزدیک ترین مفهومی که می تواند نزدیکی بیشتری با لفظ به کار رفته داشته باشد همان «داده های شخصی» کاربران است که می بایست از این لفظ در این جا استفاده شود.

۲- دومین ایراد بسیار جدی وارد بر این ماده ابهامی است که در خصوص مالکیت داده ها در آن وجود دارد. به بیان دیگر قانون باید صراحت داشته و نباید در آن از جملات نفی استفاده کرد؛ بلکه جملات به کار برده شده در آن می بایست تا حد امکان اثباتی باشد. در این جا نیز این سوال پیش می آید که اگر ارائه دهندگان خدمات، مالک داده های شخصی کاربران نیستند پس چه کسانی مالک هستند؟ ماده مربوطه برای این سوال هیچ پاسخی ارائه نداده و راه را برای تفاسیر مختلف و سواستفاده باز گذاشته است. لذا می بایست صراحتا اعلام شود که مالک داده های شخصی هر کاربر خود آن کاربر خواهد بود اما باید توجه داشت که با انجام پردازش های مختلف بر روی داده ی مربوطه از سوی ارائه دهندگان خدمات و بی نام سازی آن ها به قطع مالک داده های جدید ارائه دهنده ی خدمت خواهد بود و به طور کلی هر داده ای که در بستر یک ارائه دهنده ی خدمت حاصل شود مالک بلامنازع آن همان پلتفرم می باشد و تنها این داده های شخصی افراد است که متعلق به خودشان است. البته در صورت عدم آشنایی با حدود و ثغور داده های شخصی می بایست تعریف واضح و علمی از آن در صدر طرح نیز ارائه شود تا راه را بر تفاسیر مختلف و ادعای مالکیت بر داده های پلتفرم ها سلب نماید.

ماده ۲۵ بند ۱۰:

ماده اصلی
ماده ۲۵ بند ۱۰) عدم دریافت داده ها و دسترسی های غیرضروری با خدمت ارائه شده از کاربران.
ماده پیشنهادی
حذف

توضیحات:

در این خصوص در فصل سوم قانون تجارت الکترونیک، مواد ۵۸ تا ۶۱ توضیحات بسیار جامع تری اشاره شده است و به صورت خاص در بند «ب» ماده ۵۹ آن نیز دقیقا به همین مسئله اشاره نموده و احتیاجی به تکرار مجدد، آن هم به صورتی کلی تر و نارسا تر نیست.

نسخه اصلی طرح

ماده ۲۶) ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی دارای مجوز اعم از خارجی و داخلی، به منظور سالم‌سازی محتوای فضای عمومی که ورود به آن نیاز به اخذ اجازه ندارد، موظف‌اند رأساً، مطابق فهرست اعلامی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه موضوع ماده ۷۵۰ قانون مجازات اسلامی، ضمن رعایت بند ۱۳ ماده ۲۴، حداکثر ظرف مدت ۱۲ ساعت محتوای مجرمانه مزبور را پالایش و گزارش مربوط را به دبیرخانه کارگروه مذکور ارسال نمایند.

ماده پیشنهادی

ماده ۲۶)

توضیحات:

در این بند پیش‌بینی شده که ارائه‌دهندگان خدمات ظرف مدت ۱۲ ساعت محتوای مجرمانه را از بستر خود حذف کنند. با توجه به گستره‌ی وسیع اطلاعاتی که روزانه در این پلتفرم‌ها بارگذاری می‌شود اجرای چنین اجباری به پلتفرم‌ها نیازمند به خدمت‌گرفتن تعداد زیادی نیروی انسانی است که پلتفرم‌ها عملاً از عهده‌ی آن بر نمی‌آیند. از طرف دیگر نباید از یاد برد که این الزامات قرار است بر پیام‌رسان‌های خارجی نیز اعمال شود. مشخص نیست که تدوین‌کنندگان طرح بر چه مبنای عملی قرار است این الزام را برای پیام‌رسان‌های خارجی ضروری سازند.

ماده ۲۸ تبصره ۲:

ماده اصلی

تبصره ۲- خدمات پایه کاربردی خارجی که پیش از تصویب این قانون با تشخیص کمیسیون از مصادیق خدمات پایه کاربردی اثرگذار بوده‌اند، موظفند ظرف چهار ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، نسبت به انجام تعهدات مندرج در ماده ۱۲ اقدام کنند. در غیر این صورت، اعمال بند "ج" این ماده برای آنها تا زمان تأمین جایگزین مناسب داخلی یا خارجی (با تشخیص کمیسیون) یا یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون لازم نیست. در صورت عدم انجام تعهدات توسط خدمات پایه کاربردی مزبور در زمان معین شده، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است ظرف مدت هشت ماه نسبت به ایجاد خدمات پایه کاربردی جایگزین برای آنها اقدام کند. در صورت عدم پیش‌بینی خدمات پایه کاربردی جایگزین از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با اعلام کمیسیون، سازمان برنامه و بودجه مکلف

است ده درصد از مجموع اعتبارات ماده واحده قانون «اجازه تعیین و وصول حق امتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات» را در اختیار مرکز ملی قرار دهد تا خود راسا در این خصوص اقدام کند.

ماده پیشنهادی

حذف

توضیحات:

نظر به توضیحاتی که مفصلا در ابتدای گزارش در خصوص مشکلات ورود پلتفرم های خارجی و عواقب ورود دولت به ارائه ی خدمات مشابه اشاره شد می بایست تبصره فوق الذکر حذف گردد و در این جا از ارائه توضیح مجدد خودداری می نمایم.

ماده ۳۴ تبصره ۱:

نسخه اصلی طرح

ماده ۳۴ تبصره ۱) چنانچه اشخاص فوق بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت تدابیر متعارف امنیتی موجبات ارتکاب جرایم رایانه ای به وسیله یا علیه داده ها و سامانه های مذکور را فراهم آورند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس درجه پنج و یکی دیگر از مجازات های درجه پنج محکوم می گردد.

ماده پیشنهادی

ماده ۳۴ تبصره ۱) چنانچه اشخاص فوق بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت تدابیر متعارف امنیتی **تبیین شده توسط کمیسیون موضوع این قانون** موجبات ارتکاب جرایم رایانه ای به وسیله یا علیه داده ها و سامانه های مذکور را فراهم آورند، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس درجه **هفت** و یکی دیگر از مجازات های درجه **هفت** محکوم می گردد.

توضیحات:

۱- فاحش ترین و اصلی ترین ایراد وارد بر این تبصره این است که مجازاتی که برای جرم غیر عمد که بر اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی رخ داده است را با مجازات حالت عمد آن که در صدر همین ماده تبیین شده یکی دانسته و برای هردو مجازات درجه پنج در نظر گرفته حال به واقع جای سوال دارد که آیا نباید تفاوتی بین شخص عامد و خاطی در نظر گرفته شود؟

در نمونه های مشابه همواره تفاوت قابل توجهی بین مجازات جرم عمد و غیرعمد در نظر گرفته شده. به عنوان مثال در بند «ب» ماده ۳ قانون جرایم رایانه ای، برای **افشای عمدی داده های سری مجازات درجه چهار** یعنی دو تا ده سال حبس در نظر گرفته و در ماده ۵ همین قانون مجازات **افشای غیر عمد داده های سری** را شش ماه تا دو سال حبس یا جزای نقدی یعنی مجازات **درجه شش** در نظر گرفته.

همچنین در ماده ۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی برای شخصی که **عامدا** و با هدف برهم زدن امنیت کشور **داده های طبقه بندی شده را در اختیار اشخاصی قرار دهد**، مجازات **درجه چهار** یعنی دو تا ده سال حبس در نظر گرفته و براساس ماده ۹ همین بخش از قانون مجازات مجازات، مامور دولتی که **غیر عمدی و بر اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی** داده های طبقه بندی شده را افشا کند به مجازات **درجه هفت** یعنی یک تا شش ماه حبس محکوم می شود.

حتی در خصوص جرم قتل که از شدیدترین جرایم محسوب می شود نیز در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی برای قتل عمد مجازات درجه چهار یعنی سه تا ده سال حبس در نظر گرفته و در ماده ۶۱۶ همین قانون، برای قتل غیر عمد یک تا سه سال حبس پیش بینی شده است.

لذا در اینجا نیز پیشنهاد می شود مانند حالت عمد و غیر عمد اغلب جرایم، تفاوت مجازات های این دو حداقل دو درجه در نظر گرفته شود.

۲- پیشنهاد می شود به منظور جلوگیری از تفسیر به رای و برخورد سلیقه ای در این مورد، خصوصا که مجازات های سنگین و قابل توجه برای آن در نظر گرفته شده است، معیار عدم رعایت اصول فنی و بی احتیاطی و بی مبالاتی اصول امنیتی باشد که کمیسیون موضوع این طرح براساس ماده ۴ تکلیف به تعیین و تبیین آن دارد.

ماده ۳۷:

نسخه اصلی طرح

ماده ۳۷) وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سایر نهادهای مرتبط مکلف هستند کلیه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در زمینه شبکه ملی اطلاعات و خدمات پایه کاربردی آن را در زمان مقرر به اتمام رسانند. مصوباتی که زمان اجرای آنها سپری شده اند باید ظرف مدت سه ماه از ابلاغ این قانون اجرا شوند.

ماده پیشنهادی

ماده ۳۷) حذف

توضیحات:

احتمالا با توجه به تجربه ی دوره ی وزارت دولت گذشته طراحان این طرح تصمیم گرفته اند که چنین ماده ای را در انتهای همین طرح قرار دهند تا چالشی را که با آن روبرو بوده اند حل و فصل نمایند؛ اما باید توجه داشت که مواد و ضوابط موجود در یک قانون می بایست با یکدیگر ارتباط معنایی داشته باشد و هر ماده ای که در ذیل یک بخش آورده می شود در ارتباط کامل با همان بخش باشد. حال آن که در مورد این ماده به هیچ عنوان اینگونه نیست و تدوین کنندگان طرح انگار فرصت را غنیمت شمرده اند و خواسته اند که تمامی دغدغه های خود را در قالب همین یک طرح به هر قیمتی و به هر شکلی بگنجانند و آن را حل و فصل نمایند؛ که این مسئله موجب تبیین قواعدی ناپیوسته و ابتر در خلال این طرح شده که هیچ یک به درستی و به صورت قاعده مند و اساسی چالش مدنظر را حل نکرده اند که نمونه ی بارز آن همین ماده است.

باید توجه داشت که یک قانون با دورنمای چندین ساله نوشته می شود و می بایست در سال های آینده نیز فهاوا و قصد نویسنده از ماده قابل درک باشد تا در آن زمان منجر به اختلاف و ارائه ی تفاسیر نادرست و مشکل زا نشود. در حال حاضر که ما خود تجربه ی عملکرد وزارت ارتباطات و اختلافات میان شورای عالی و این وزارتخانه را دیده ایم و با طراحان طرح و مقاصد آن ها در طی جلسات مختلف آشنا شده ایم می دانیم که قصد آن ها از این ماده و مواد نظیر آن چه بوده است اما به طور قطع در سال های آینده طراحان طرح در دسترس نخواهند بود که بخواهند قصد خود را توضیح دهند و گویایی و پیوستگی خود قانون است که باید سد راه ایجاد ابهامات مختلف شود.